

درس پنجم

الصِّدْقُ

راستگویی

يُحْكِي أَنَّ رَجُلًا كَانَ كَثِيرَ الْمَعَاصِي وَالْعُيُوبِ، فَتَدِمَ عَلَى أَعْمَالِهِ السَّيِّئَةِ وَ حَاوَلَ أَنْ يُصَلِّحَهَا، فَمَا اسْتَطَاعَ،

حکایت می‌شود که یک مرد بسیار گناهکار و پر عیبی بود. پس از کارهای بدش پشیمان شد و سعی کرد آنها را اصلاح کند، ولی نتوانست

فَدَهَبَ إِلَى رَجُلٍ فَاضِلٍ صَالِحٍ، وَ طَلَبَ مِنْهُ مَوْعِظَةً تَمْنَعُهُ عَنِ ارْتِكَابِ الْمَعَاصِي،

پس به سوی مرد دانشمند و درستکاری رفت و از او نصیحتی خواست که او را از انجام گناهان منع کند

فَنَصَحَهُ بِالتَّزَامِ الصِّدْقِ، وَ أَخَذَ مِنْهُ عَهْدًا عَلَى ذَلِكَ،

پس او را به پایبندی بر راستگویی نصیحت کرد و برای آن از او قولی گرفت

فَكُلَّمَا أَرَادَ الرَّجُلُ أَنْ يَرْتَكِبَ ذَنْبًا، اِمْتَنَعَ عَنْهُ لَوْفَائِهِ بِالْعَهْدِ، حَتَّى لَا يَكْذِبَ عَلَى الرَّجُلِ الْفَاضِلِ،

پس هرگاه آن مرد خواست که مرتکب گناهی شود به خاطر وفای به عهدش از آن خودداری کرد، تا به مرد دانشمند دروغ نگوید

وَ مَرُورِ الْأَيَّامِ تَخَلَّصَ مِنْ شَرِّ ذُنُوبِهِ وَ عُيُوبِهِ لِالتَّزَامِ بِالصِّدْقِ

و با گذشت روزها به خاطر پایبندی‌اش به راستگویی از شر گناهان و عیب‌های خود نجات یافت

وَ يُحْكِي أَنَّ شَابًا كَانَ كَذَابًا، وَ فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ كَانَ يَسْبَحُ فِي الْبَحْرِ وَ تَظَاهَرَ بِالْغَرَقِ وَ نَادَى أَصْحَابَهُ: النَّجْدَةَ، النَّجْدَةَ....

و حکایت می‌شود که جوان بسیار دروغ‌گویی بود، و در یکی از روزها در دریا شنا می‌کرد و وانمود به غرق شدن کرد و

دوستانش را صدا کرد: کمک، کمک....

فَأَسْرَعَ أَصْحَابُهُ إِلَيْهِ لِيُنْقِذُوهُ، وَ عِنْدَمَا وَصَلُوا إِلَيْهِ ضَحِكَ عَلَيْهِمْ؛

پس دوستانش به سوییشتافتند تا او را نجات دهند، و هنگامی که به او رسیدند، به آنها خندید

كَرَّرَ هَذَا الْعَمَلَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، وَ فِي الْمَرَّةِ الرَّابِعَةِ ارْتَفَعَ الْمَوْجُ وَ كَادَ الشَّابُّ يَغْرُقُ،

این کار را سه بار تکرار کرد، و در بار چهارم موج بالا رفت و نزدیک بود آن جوان غرق شود،

فَأَخَذَ يَنَادِي أَصْحَابَهُ، وَلَكِنَّهُمْ ظَنُّوا أَنَّهُ يَكْذِبُ مِنْ جَدِيدٍ

پس شروع به صدا زدن دوستان خود کرد، ولی آنها گمان کردند که او دوباره دروغ می‌گوید

فَلَمْ يَلْتَفِتُوا إِلَيْهِ حَتَّىٰ أَسْرَعَ إِلَيْهِ أَحَدُ النَّاسِ وَ أَنْقَذَهُ، فَقَالَ الشَّابُّ لِأَصْدِقَائِهِ:

پس به او توجه نکردند، تا اینکه یکی از مردم به سویش شتافت و او را نجات داد، آن جوان به دوستانش گفت:

شَاهَدْتُ نَتِيجَةَ عَمَلِي، فَكَيْفِي كَادَ يَقْتُلَنِي، فَلَنْ أَكْذِبَ بَعْدَ الْيَوْمِ أَبَدًا،

نتیجه کارم را مشاهده کردم، دروغ گفتنم نزدیک بود مرا بکشد، پس از امروز هرگز دروغ نخواهم گفت؛

وَمَا عَادَ هَذَا الشَّابُّ إِلَى الْكِذْبِ مَرَّةً أُخْرَى

و این جوان بار دیگر به دروغ گفتن بازنگشت

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ﴾ التَّوْبَةُ: ۱۱۹

خدای متعال فرموده است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و با راستگویان همراه باشید

الصَّدْقُ مَعَ اللَّهِ يَتَجَلَّى بِإِخْلَاصِ الْأَعْمَالِ لَهُ؛ وَ الصَّدْقُ مَعَ النَّاسِ هُوَ أَنْ لَا نَكْذِبَ عَلَى الْآخِرِينَ،

راستگویی با خدا در خالص گردانیدن کارها برای او جلوه گر می شود؛ و راستگویی با مردم آن است که به دیگران دروغ نگوئیم.

وَ قَالَ النَّبِيُّ (ص): ﴿ كَبُرَتْ خِيَانَةٌ أَنْ تُحَدِّثَ أَخَاكَ حَدِيثًا، هُوَ لَكَ مُصَدِّقٌ، وَ أَنْتَ لَهُ كَاذِبٌ ﴾

و پیامبر فرموده است: خیانت بزرگی است که به برادرت سخنی بگویی، او سخنت را باور کند، در حالی که تو به او دروغ گفته‌ای

وَ قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ (ع): ﴿ مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَاتٍ لِسَانِهِ وَ صَفَحَاتِ وَجْهِهِ ﴾

و امام علی (ع) فرموده است: کسی چیزی را پنهان نکرد، مگر اینکه در لغزش‌های زبانش و همه جای چهره‌اش آشکار شد

إِذَنْ لَا يَسْتَطِيعُ الْكُذَّابُ أَنْ يُخْفِيَ كِذْبَهُ أَوْ يُنْكِرَهُ

بنابراین، (شخص) دروغگو نمی‌تواند که دروغش را پنهان کند یا آن را انکار کند

مَا أَجْمَلَ كَلَامَ النَّبِيِّ! (ص)

سخن پیامبر (ص) چه زیباست!

﴿ لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ وَ الْمَعْرُوفِ وَ طَنَطَنَتِهِمْ بِاللَّيْلِ وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ

به بسیاری نماز و روزه و بسیاری حج و کار نیک و بانگ شبانه آنها نگاه نکنید؛ بلکه به راست گویی و امانت‌داری نگاه کنید